

His/Her cake is dough

دستش نمک نداره

I felt like a fool

سنگ رو یخ شدم

We have a lot of in common

ما باهم تفاهم داریم

Eat my heat off

مخمو خوردی

I was shame stricken

از خجالت آب شدم

I'm in tip-top shape today!

من امروز توپ توپم

I'm sick of it

حالم از این وضعیت بهم میخوره

Keep your head

دست و پات رو گم نکن

I'm not in a good mood

حال و حوصله ندارم

You were sublime

کارت حرف نداشت

I stand by what I did

پای کاری که کردم و ایمیسم

You're over the hump

سربالایی رو گذروندی

You heard me

درست شنیدی

You are adorable

خیلی دوست داشتتی (قابل ستایش) هستی

It's impressive

قابل تحسینه

Pull the other one

خالی نبند

Don't pick on me

به من گیر نده

Don't look the other way

خودتو به اون راه نزن

Are U happy or married?

مجردی یا متاهل؟

The rest is history... باقیش رو خودت می دونی...

I don't blame you

سرزنشت نمی کنم

He/She drives me crazy

رو اعصابم راه میره، دیوونم کرده

Have you chicken out already?

هیچی نشده جا زدی

I'm still finding my feet

تازه دارم به ان عادت میکنم

Knock on wood

بزنم به تخته

You don't have to settle

نباید جا بزنی

Don't you talk back to me

جواب منو نده (حاضر جوابی نکن)

با این عجله کجا می ری؟ where are you off to in such a hurry?

It's along story

این قصه سر دراز داره

Happy go lucky

سر به هوا

there isn't a cat in hell's chance

یه ذره شانسه هم نداشتن

She doesn't even cough without her father's permission

بدون اجازه پدرش حتی آب نمی خوره

none whatsoever

به هیچ وجه

It's beyond your dignity

دور از شان شماست

Pull the rug from under somebody

زیر آب کسی رو زدن

To hold someone dear

لی لی به لالی کسی گذاشتن

My mother hold my brother dear

مادرم برادرم را لوس میکنه یا لیلی به لالاش میذاره

It was brutal

خیلی بی رحمانه بود

How dare you?

چطور جرات میکنی این حرف رو بزنی؟

The sea is full of other fish

آدم قحطی نیست

one,s number is up

کارت تمومه

as white as a sheet

رنگت مثل گچ سفید شده

Shake a leg!

یا، عجله کن

I am singlehanded

دست تنهام

I had fortune on my side

بخت یارم بود

Come clean

صادق بودن

Let sleeping dogs lie!

پا روی دم شیر نذا

Leave it to me

همه کارها رو به من بسپار

Such a guy!

این دیگه کیه! / عجب آدمیه!

So unobservant

خیلی بی توجهی

Drag one's feet

این پا اون پا کردن، لفت دادن

If you keep dragging your feet, you'll miss the train

اگه لفتش بدی، قطارو از دست میدی

Worse comes to worst

دیگه بدتر از این نمیشه

I know it from A to Z

من از تمام ماجرا باخبر هستم

Truth hurts

حقیقت تلخ است

That's so annoying

واقعا آزار دهنده س (ضد حاله)

Keep in the picture

در جریان امور قرار دادن

Never say die

به دلت بد نیار

power to you

or

خدا قوت: more power to your elbow

on the tip of my tongue

نوک زبونمه

Eat your word

حرف تو پس بگیر

Don't rub it in

اینقدر به رخ ما نکش

مودی (به قولی مودمار) بودن... to be snake in the grass...

He/She looks proud

طرف خودشو میگیره

گوش به فرمان بودن under someone's thumb

او دهن He/She has a big mouth شاخ غول راشکستن set the world on fire
از جلوی چشم دور شو Or Get out of my face Or Get out of my sight لق است
پارتی بازی Pull strings هر چی شد، شد (هر چه بادا باد) I take it as it comes
چه عجب Fancy meeting you چهار چشمی مراقب هستم I am all eyes کردن
گذشته ها گذشته let bygones be bygones دارم You're on این طرفا
let me see the digin.... بهم میزنی You make me sick بزن تو رگ
Tit آب از سرش گذشته It's all up with him/her میخوام برم دست شوی john
It's my treat خیلی گران..... cost an arm and a leg در اون for tat
بزن قدش High Five or Up Top نوبت منه (که حساب کنم)

I wish the best for you

بهترینها رو برای شما آرزو می کنم

I wish you many years of happiness

سالهای شاد بسیاری را برای شما آرزو دارم

Heartiest congratulations

صمیمانه ترین تبریکات

as easy as ABC

it's a piece of cake

It's duck soap

براحتی آب خوردن

my hands are tied

دست و بالم بسته

hit the roof

از کوره در رفتن

Pig Out

زیاد خوردن و سریع خوردن

Pedal to the metal

با تمام سرعت رفتن مخصوصا هنگام راندن ماشین

I buy it

من قبول دارم

وقتی کسی چیزی به شما میگه و شما باهانش موافقی میشه از این استفاده کرد

Top of the World

بهتر از این نمیشم

you're on your own

خودتی و خودت

Let it go

بی خیالش شو

you're a complete idiot

تو یه احمق به تمام معنا هستی

you're crowding me

داری باعث میشی سردرد بگیرم

This is the limit

دیگه شورش در اومده

I misjudged you

دربارت اشتباه می‌کردم

Hit the bricks

بزن به چاک

Make a big deal about something

از گاه کوه ساختن

It was so gross

خیلی خفن بود

jack of all trades and master of none

همه کاره و هیچ کاره

walk on eggs

ریسک کردن

Back down

از خر شیطان پایین بیا

It's apples and oranges

هر کسی بجای خودش

easy come easy go

باد آورده را باد میبرد

under a cloud

مظنون بودن- مورد بد گمانی بودن

to stab one's in the back

از پشت خنجر زدن

Fair weather friend

رفیق نیمه راه

Long story short

خلاصه کنم

Get to the point

برو سر اصل مطلب

They are a perfect match اونا خیلی به هم میان

Don't get fresh with me پرویی نکن

That's good stuff چیز خوبیه

Tie the knot ازدواج کردن

Kick The Bucket مردن

stick to your guns روی حرفت و ایسا

keep your back covered کار از محکم کاری عیب نمی کنه

i am of a quiet few friend من بیشتر از اونچه که فکر میکنی دوست دارم

Have fun for me بجای منم خوش بگذرون

Let me have my say! بذار حرفمو بزنم!

You have my word بهت قول میدم

business is business حساب حسابیه کاکا برادر

I salute you درود بر شما

He/she is cold fish ادم بد عنقیه

I can handle it می تونم از پیشش بر بیام

I'm gonna level with you می خوام باهاتون روراست باشم

Do your best تمام تلاشت رو بکن

I'm starving بدجوری گشنمه

I wasn't born yesterday موهامو تو آسیاب سفید نکردم

call the shots حرف اول زدن

Don't be a drip لوس نشو

I have extra mouth to feed یه شکم دیگه رو هم باید سیر کنم

sound fair? منصفانه است؟

Make a hole راه رو باز کنید

Get rid of him/her از شرش خلاص شو

Damn straight کاملاً درسته

cut it out تمومش کن

break it up تمومش کن

curiosity killed the cat فضولی موقوف

catch my eye چشممو گرفت

It's not my taste باب میل نیست

have your cake and eat it : هم خدا هم خرما را خواستن

Play it cool خونسرد رفتار کردن، عادی رفتار کردن

You're a disgrace تو مایه آبروریزی هستی

What's done is done کاری که شده دیگه شده

your guess is as good as mine منم به اندازه تو می دونم

به اندازه ی : (be found wanting). Their defense was found wanting.
کافی خوب نبودن / خیلی مناسب نبودن

I cross my fingers for you برات آرزوی موفقیت می کنم

طرف دستش every Tom dick and Harry knows هر کس و ناکسی می دونه
سوختن و don't carry away جو گیر نشو he has got sticky finger کجه
سرپا make ends meet زندگی رو چرخوندن (اقتصادی) Bite the bullet ساختن
هندونه زیر present company excepted بلا نسبت دوستان I'm all ear گوشم
آس و پاس شدن. evert your eyes چشماتو درویش کن lay it on کسی گذاشتن
خریزه خوردن و پای لرز نشستن LOSE ONE'S SHIRT دار و ندار خود را باختن
Beat خودخوری کردن Bite the bullet خون دل خوردن FACE THE MUSIC
Right on ایول، دمت گرم up on yourself

!خوب بنال ببینم. Ok, now give!

!حالا بهت نشون میدم. I'll teach you!

!عجب مهمانی ای. Quite a party!

!محشر بود. It was heaven!

!قربونت برم. There is a dear!

!مواظب خودت باش. Mind how you go!

!چه مزخرفاتی! ، چه جفنگیاتی. My foot!

!مسئله ی مرگ و زندگی است. It's a matter of sink or swim!

!لفتش نده. Be quick about it!

!گذش بزنی. Sugar!

!گور پدرش. Hang him!

!گیر نده. Don't pick on me!

!تو گفتی و من هم باور کردم! Like fun!

- After a fashion! همچین بگی نگی!
- Go for it!! بگيرش! ، ولش نکن! ، بزنش!
- You can't milk a bull! هی میگم نره میگه بدوش.
- That's the end!! همینو کم داشتیم
- Over my dead body!! کور خوندی.
- He's slow on the draw!! دوزاریش کج است
- It's all over and done!! کار تمام است
- The die is cast!! کار از کار گذشته
- It's all a fiddle!! همه اش کلک است
- Don't rub it in!! اینقدر به رخ ما نکش
- I see! که اینطور
- What's cooking!! قضیه چیه؟
- I stand corrected.! اشتباه خود را قبول می کنم.
- He's not all there!! سیمهایش قاطی است
- I swear it!! قسم می خورم.
- That's a good fun!! قصه ی قشنگیه.
- Mark my words!! یادت باشه.
- Cross my heart!! به شرافتم قسم! این تن بمیره!
- He's not the man for that!! این کاره نیست
- Point taken!! قبول کردم.
- Use your loaf!! کله ات را به کار بینداز

Go fly your kite!!سرت به کار خودت باشه

Please yourself!.. به من چه !هر کاری دلت می خواهد بکن،

None of your cheek!!فضولی اش به تو نیومده

Steady!!حرف دهننت را بفهم

Your wish is my command.....!شما امر بفرمایید

You're a one!!عجب ناقلایی هستی

I'm not a mind reader!!علم غیب که ندارم

None of your concern!!فضولی موقوف

That's torn it!!همه چی ضایع شد

Don't ride the high horse!!از خر شیطان پیدا شو

Forget it!!شد که شد به جهنم

Hop in!!سوار شو! بپر بالا

Our eyes met!!چشمانمان به هم افتاد

The deal fell through!معامله جوش نخورد

Drop the ball :!اشتباه کردن و در مسولیت خرابکاری کردن

Run along ! :!برو پی کارت / بروید پی کارتون

It is good fishing in troubled waters. :!از آب گل آلود ماهی گرفتن

I am on my beam-ends till Friday. (on your/its beam-ends) :!در

مضيقه / بی پول

Two brothers are as different as chalk and cheese. (Also : like chalk and cheese) :!کاملا متفاوت بودن

be at a loss to do sth/for sth :!در برابر انجام کاری در ماندن/عاجز شدن

He will be up and about / up and doing in no time. : سلامت خود را / بازیافتن / حال کسی خوب شدن

He blew hot and cold. : مردد/دودل بودن – این پا و آن پا کردن

to cement their relationship/ محکم کردن رابطه

What's the matter? Cat got your tongue? موضوع چیه؟ موش زبونت رو خورده؟ – چرا حرف نمی‌زنی

put/bring an end to yourself/your life/it/ sth : خود را کشتن

your head is in the clouds. (have your head in the clouds) : در ابرها سیر کردن / تو عالم هیروت بودن / دل و فکر جای دیگری بودن

His latest movie looks set to break new/fresh ground. : کار نویی کردن / ابتکار کردن

thin on the ground : کمیاب/نایاب بودن
thick on the ground : محاوره : Also: a dime a dozen [American English informal] / [British Equivalent] ten a penny

Here is the list of names, for what it's worth. : محاوره : خوب یا بد / دعست یا غلط / بدرد بخور یا نه

stand/keep/hold your ground : تسلیم نشدن / عقب ننشستن / کوتاه نیامدن / سر حرف و تصمیم خود ایستادن

play a prank on sb : کسی را فیلم کردن / کسی را دست انداختن

a bird in the hand (is worth two in the bush) : سیلی نقر به از حلواى نسبه

pop it out! بگو دیگه!

There are limits to my tolerance: ظرفیت من هم حدی داره

I was pleased to see the back of him ! (آخش رفت / از شرش خلاص شدیم : be glad/sorry/pleased ... to see theback of sb/sth)

He is gone up in the world a bit since I knew him at college. :
پس رفتن/تتزل کردن : come/go down – go/come up) پیشرفت/ترقی کردن

What is the good/use of sth/hurrying? : فایده/حسن کاری/عجله کردن چیه؟

She's fine now, but it was touch-and-go for a while. : موقعیت/بیماری
... : نامعلوم/نامشخص بودن

I'll have my work out cut to get there by ۹. : (have/get your work
تقلا کردن /جان کندن (cut out)

He thinks his life is coming apart at the seams. : در حال از هم پاشیدن

The meal was nothing special. : غذا معمولی بود/ جالب نبود

put your back into it/sth : If we * تمام هم/نیروی خود را صرف کاری کردن :
really put our backs into it, we could finish today.

There was no room for error / جای برای اشتباه وجود نداره

head or tail شیر یا خط

sth does sb a/the world of good : محاوره : برای کسی خیلی خوب بودن

sth be/rests on sb's shoulders : مسول چیزی / کاری بودن

break the back of sth / the job : کمر چیزی را شکستن

occupy the middle ground between : sit/be on the fence : میانه رو بودن
بیطرف ماندن / دخالت نکردن

burn / raze sth (down) to the ground : ساختمان / شهر... : با خاک یکسان
کردن

why did you slam the door? / چرا اینقدر در رو محکم بستی؟

you are a curse/ آدم بدقدمی هستی

be in sb's good books /// in sb's bad/black books : مورد لطف . بی
مهری کسی بودن

چیزی به عقلم نمیرسه / it's just over my head

حتما خواست خدا بوده / there must be a diving point to all this

ضرر روی ضرر کردن / پشت سر هم پول : throw good money after bad
باختن

به نفع... خودت : I'm telling this for your own good/safety/benefit etc.
بودن

I've had your coat cleaned- It is (as) good as new now. (Als like
نوی نو شدن / مثل روز اول شدن : new)

ول گشتن / بلا تکلیف بودن / بی کار : be ay a loose end / be at loose ends
بودن

بال و پر کسی را چیدن / محدود کردن : clip sb's wings

فوری آماده شدن : Hang on ! I'll be ready in half a minute/second.

مثل برق رفتن : go/drive/run like the clappers

نقشه های کسی را نقش بر آب کردن : cut the ground from under sb's feet

اغراق نیست اگر بگم : It is no exaggeration to say (that)

عاقل تر بودن / گول حرف : know better than to do sth / ... than that ...
* He knows better than to judge by appearances. کسی را نخوردن

فخر فروختن / خود را گرفتن : give yourself airs / put on airs

در خونت رو ببند همسایتو دزد نکن : Fast bind fast find.

مالتو سفت بگیر همسایه ات را دزد بگیر = Better be safe than sorry

چطو جرات میکنی رو حرف من / how dare you question my decision?
حرف بزنی؟

دلَم برایش میسوزه / I have sympathy for him

به نفع شماست که / It would be wise of you to do sth/

No snitching/ چغلی نکن

I love you, don't ever doubt my sincerity/ من عاشقتم، به عشق و علاقه من
شک نکن

Praise the lord/ thank god/ خدا رو شکر

I'll go and eat dog food/ حاضرم به هر ذلتی تن در بدهم ولی این رفتار با من
نشه

don't get me wrong/ درباره من اشتباه برداشت نکن

Please give a warm welcome to sb/ یه کف مرتب به افتخار (یه نفر) بزنین

He is wet behind the ears دهنش بوی شیر میده

We all share in ur grief / ما همه در غم شما شریک هستیم

I'll show you ! : تهدید:نشونت میدم / ثابت میکنم که :

By virtue of the authority vested in me ... : نظر به اختیاراتی که به بنده :
تفویض شده

gather/collect dust : خاک نشستن / گرفتن
Her old trophies were
collecting dust on the shelves.

be under house arrest : در خانه خود زندانی شدن و تحت نظر بودن

Nothing more occurs to me. : چیز دیگری به نظرم نمی رسد :

This is not my idea of pleasure/fun/sth. : به نظرم این تفریح نشد :
Chocolate milk and a piece of cake is not my idea of dinner.

fall in love at first sight/glance : با یک نظر عاشق شدن:

My treat ! : مهمان من : ... در خوردن و * Let's go out to lunch – my
treat.

the pleasure is all mine/ باعث افتخار و خوشحالی بنده است

he drove us in to it/ اون مارو تو این دردسر انداخت

چطور مطوری؟ (گوش خیابانی) / how the hell are you?!

نفست در نیاد: Not a peep out of you !

هارت و پورت کردن: huff and puff

تا آخرین نفس: to the last gasp / breath

نعل به نعل اجرا کردن: follow / carry out to the letter

با نظر خریداری به کسی نگاه کردن: look fondly at sb

مد نظرم هست: It is uppermost in my mind.

زندگی همیشه بر: Life is not always a bed of roses / a bowl of cherries.
وفق مراد نیست

باید برم دستشویی Nature Calls (or Call of Nature)

Everything is coming up roses ” or “everything in the garden is
همه چی مرتب و رضایت بخشه rosy”

گذشته ها گذشته، دوباره قضیه رو پیش نکش Let Sleeping Dogs Lie

گز نکرده پاره نکن (قبل از عمل فکر کن ... look before your leap

بچه شدی؟! Wot r u ,Eight ?

باید جوابشو می دادی! you should have fought him back!

دوست دارم سر حرفم بایستم و ار / I'd like to stand up for what I believe/
اعتقاداتم دفاع کنم

دیگه راهی واسم باقی نداشتی / you left me no choice/

از موضوع خارج نشیم / stick to the subject/

برو پی کارت / Take a hike/

بر حسب اتفاق منم اونجا بودم / I just happened to be there/

lets not bullshit each other./ بیا شرو ور تحویل هم ندیم

you have a way with him. رگ خوابش را بدست آوردی

it's for grown ups/ این مال بزرگترهاست

to get some attention جلب توجه کردن

you should be proud of that احسنت/بارک الله/ تو باید به عملت افتخار کنی

sorry, I have a lot on my mind. خیلی افکارم مغشوش است

I'm in a good shape در شرایط خوبی هستم اقتصادی: وضع مالییم خوبه/ درسی: درسامو خوب خوندم/ ورزشی: رو فرم هستم

“I've got knots in my stomach ” or “My stomach is in knots
دلشوره داشتن ” about...

Cat got ur tongue? / گربه زبونتو خورده؟

Get it off your chest / خودتو خالی کن

go/fly off at/on a tangent : موضوع را عوض کردن / از این شاخه به آن شاخه :
پریدن

all the world and his wife : همه از بزرگ و کوچک و پیر و جوان
was no escape on our beach holiday ! all the world and his wife
were there !

call sth into play : به کار/راه انداختن

That is the way/how the cookie crumbles. : محاوره: آش کشک خالته /
همینه که هست

It matters little. : چندان اهمیتی ندارد

Fine words fill not he belly. : با حلوا حلوا گفتن شکم سیر نمی شود

put/set/turn/give your mind to sth: تمام فکر و ذکر کسی چیزی بودن / تمام
توجه کسی معطوف چیزی شدن

When good cheer is lacking, our friends will be packing. : فربون بند
کیفتم تا پول داری رفیقتم

اعلام / شکستن آتش بس : call / break a flag of true

You need your head(s) examined. (Also : need to have your head(s)
examined): محاوره: عقل کسی پاره سنگ برداشتن:

Sorry I was dead to the world. : در خواب سنگین/عمیق بودن :

He is loaded. : خیلی پولدار :

The news spread like wildfire. : اخبار / شایعه : مثل برق/به سرعت پخش
شدنش

I pity you if وای به حالت آگه

مثل انداختنش بیرون drop sb like hot potato

پایه اش هستی؟ are you in game?

roll up your sleeves آستین بالا زدن در فرهنگ انگلیسی این کار یعنی با جدیت
مشغول کار شدن

peanut money: پول بخور و نمیر:

You touch so much as one hair of my son's head..... آگه یه مو از سر
پسرم کم بشه

don't breath a word. خفه شو

on the other hand به بیان دیگر

Money begets money.: پول پول را پیدا میکند/ درمی آورد :

That sort of thing really gets (right) up my nose. : عامیانه: کفر کسی را
درآوردن / کسی را کلافه کردن

Take/get the bit between the teeth //// pull socks up //// roll
sleeves/trousers up : آستین همت را بالا زدن :

jump with sb's humor: با خلق و خوی کسی کنار نیامدن

She got the job under/on false pretences. : با ادعای دروغ و دوز و کلک :

find favor with sb / find favor in sb's eyes / win sb's favor : / محبت
نظر موافق کسی را جلب کردن /// مورد تایید کسی قرار گرفتن

Give sb a knuckle sandwich: با مشت زدن

put/lay your head on the block. (Also: It's my head that is on the
block.) : ریسک کردن :

Don't hang up on me. I need to talk to you. : با عصبانیت:گوشی رو قطع
نکن

Your guess is as good as mine. : منم بیشتر از تو در جریان نیستم / نمی دونم :

What the heck: به جهنم (جهنم ضرر)

A stitch in time saves nine

کاری که سر وقت انجام داده بشه از کار بیشتر بعد ان جلوگیری میکنه

set/get/keep/start the ball rolling: کاری رو شروع کردن

He is barely on speaking terms with his father. : زیاد با پدرش خوب/جور
He was not on speaking terms with his brother or sisters.
نیست

have a soft spot for sb/sth : به کسی / چیزی علاقه داشتن :

make mincemeat out of sb / قیمه قیمه کردن

Practise what you preach. : به آنچه به دیگران توصیه میکنی خودت عمل کن :

They served coffee of a sort/of sorts. : قهوه دادند آن هم چه قهوه ای / مثلا
قهوه

My heart quailed. : دلم ریخت :

raise sb's hackles / make sb's hackles rise : خشم کسی را برانگیختن :

Everything/Nothing is going/has gone right. : اوضاع روبراه بودن یا نبودن

blow/dash your OR sb's brains out : کشتن با شلیک در سر

beat/rack/cudgel your brain(s) // beat your brains out : به مغز فشار آوردن

pin sb down : از کسی حرف کشیدن / از سنگ حرف کشیدن

fly/go out (of) the window : محاوره : از بین رفتن / بر باد رفتن / نقش بر آب شدن

He has a lot of pull. : آدم بانفوذی است

Be careful not to breathe a word. : حرفی نزدن

The police officer took down the car number. : افسر پلیس نمره ی ماشینو برداشت / یادداشت کرد

My English is a bit rusty. : انگلیسی ام نم کشیده

she wears the pants in the house

خانه توسط خانوم اداره میشه

I'm feeling puny سرما خوردم

shoe makers son runs barefoot

کوزه گر از کوزه شکسته آب میخوره

matricide / patricide مادر کشی / پدر کشی

to leap a head of pack : گوی سبقت را از رقبا گرفتن

ease sb into sth: وادار به ترک کردن : ease out به پذیرش چیزی ترغیب کردن

I'm a hard-liner (از نظر سیاسی تندرو)

I give you full marks for that. [full marks to somebody (for something)]: نمرت بیسته / مرحبا / آفرین

‘How are things?’ ‘Fine! Couldn’t be better.’ : بهتر از این نمیشه :

you don’t say! / You don’t mean that !: نه بابا، جدی میگی

He meant well. : منظورش / نیتش خیر است :

like water off a duck’s back : انتقاد و اخطار و توبیخ هیچ تاثیری نداشتن :

She took to dancing like a duck to water. (take to something like a duck to water): چیزی رو خیلی راحت یاد گرفتن :

get somebody’s goat / get on sb’s nerves: اعصاب کسی رو داغون / خرد کردن

sweet old days : یاد اون روزا بخیر:

Stop aging! پیر نشی!

Don’t sell yourself short! خودت را ارزون نفروش!

The other way round! دقیقا برعکس!

swear by s.th = have faith in s.th I know many people swear by it, but i can’t believe!

take a hike=sling your hook(BR infm)=برو گمشو

party is over when the fat lady dances !

وقت گل نی

I have a bone to pick with you

از شما گله دارم

we’re not out of the woods yet!=خطر هنوز کامل رفع نشده!

chicks fight =دعوای زنانه=

غذای گران خوردن: Eat high off the hog

در نظر حقیر / اگر جسارت نباشد باید بگویم که : In my humble opinion ...

Peel out / punch it / floor it / put the the pedal to the metal :
ماشین:گازشو گرفتن / سرعت گرفتن و دور شدن

That job is great. I didn't even apply for it. It just fell into my lap.
دست کسی افتادن / به آسانی بدست آوردن : Fall / drop in/into your lap

نگران نباش : Don't worry / I fear not ! / Never fear!

اصلا به تو ربطی نداره : It's none of your business

شکر کردن بخاطر چیزهایی که خدا به کسی داده و : count your blessings.
ناراحت نشدن بخاطر چیزهایی که نداده

حساب چیزی از دست در رفتن : Lose count (of Sth /Sb)

He is well versed in the art of diplomacy.
در امری کاملا وارد بودن : be (well) versed in something

ورق برنده در آستین داشتن : have an ace up your sleeve

لباسی رو بر عکس پوشیدن : Have got / wear sth inside out

By no manner means (Also Not by any manner of means) [BRE
spoken formal] : به هیچ وجه من الوجوه :

اهمیتی / : views / opinions / plans tec. carry much weight (with sb)
وزنی / اعتباری داشتن

متوجه منظورت نمیشه، تو باغ نیستم= U LOST ME

برای کاری یا چیزی ساخته شدن = be cut out for sth

پایین ترین قیمت ممکن = Rock bottom prices

خیلی غمگین به نظر رسیدن = Look blue

صد تا یک غاز = A dime a dozen

Put it on sb's tab = به حساب کسی گذاشتن

Burst sb's bubble = تو ذوق کسی زدن (کسی را نا امید کردن)

Screw sth up = افتضاح بار آوردن-خرابکاری کردن

it will be a feather in your cap: هر گلی زدی به سره خودت زدی:

she has a memory like an elephant: اون خیلی با هوشه:

hit the jackpot: پول قلنبه ای به جیب زدن / لاتاری برن / قمار بردن

Live and learn. : زگهواره تا گور دانش بجوی / اطلبو العلم من المهد الى اللحد :

So much foe that ! : این هم از این ! / این که از این :

So much the better ! : چه بهتر :

It wasn't so bad as last time. : به بدی دفعه پیش نبود :

Looks are deceiving = ظواهر فریبنده هستند =

God helps those who help themselves. : از تو حرکت از خدا برکت:

It's not rocket science = مگه میخوایم موشک هوا کنیم! (کار شاقی نیست)

Go blank = مغز کسی کار نکردن، یک مرتبه همه چیز را فراموش کردن =

upon/on my word ! : به شرافتم سوگند / قول میدهم :

Hackney mistress, hackney maid. : مادر بیبیت، دختر بشناس :

It doesn't matter when you go. : هر وقت بروید رفته اید / مهم نیست کی بروید :

A propitious/favorable breeze/wind : بار شرطه / موافق ای باد شرطه :
برخیز / باشد که باز بینیم دیدار آشنا را

Call in sick : مرخصی گرفتن با زنگ زدن به محل کار بعلت بیماری شدید :

At a price : You can buy strawberries all year round, but at a price
// خیلی گران/ به قیمتی گزاف :

محاوره :کسی را دیونه / پاک : drive/send sb up the wall/out of their mind
عصبانی کردن

هیچ نیازی به کسی / چیزی نداشتن : I need sb / sth like a hole in the head.

من به ان اهمیتی نمی دهم:(not polite) I don't give a rat's ass about it

پول که علف خرس نیست = money doesn't grow on trees

سیم سیار : extension lead

دلخور که نشدی؟ = No offence?

گولت زدم = I set you up

منو قاطی این ماجرا نکن = Keep me out of this

کسی را برآشفتن : Ruffle sb's feathers

عامیانه : تو : Be up the (shit) creek without a paddle. (not polite)
مخمصه بودن

مثل یه دسته گل بودن / خوب بودن / خوب رفتار کردن : He is (as) good as gold.

I've be tearing your hair out (BRE) : خود را جر دادن /
been tearing my hair out trying to get done in time.

از تعجب خشکم : You could have knocked me down with a feather.
زده/ماتم برده بود /// دهانم وا مانده بود

هیچ توجهی نکردن / گوش کسی بدهکار : not take/pay a blind bit of notice
نبودن

هیچ توجهی نکردن / گوش کسی بدهکار : not take/pay a blind bit of notice
نبودن

محاوره : حرف نزدن / دم نزدن / ساکت ماندن : clam up

کسی مهره ی ناچیز در دستگاهی بودن : a cog in the machine/ wheel

The exam was much harder than I had bargained for. : سختتر از انتظار
ما بودن

He was always the odd one out at school. (the odd man/one/woman
out) : با دیگران فرق داشتن :

drive sb to distraction : تا حد جنون و دیوانگی کسی را اذیت و ناراحت کردن :

Chances are slim: هیچ شانسی نیست :

Carry the can (for sb/sth) // be left holding the bag/baby : به آتش :
دیگری سوختن / بخاطر دیگری سرزنش شدن

What a hothead ! : آدم عجول :

He's always flashing his money around. : پول و چیزی را به رخ کسی
کشیدن (Also Show sb/sth off)

You are such a slowcoach (BR) / slowpoke (AME).: : فحش و محاوره :
آدم تنبل / فس فسو

get on the wrong/right side of sb : * I کسی را ناراحت / خوشحال کردن :
wouldn't like to get on the wrong side of her.

rag to riches : از فرش به عرش رسیدن :

rolling in money : تو پول غلط زدن :

Contraries do not meet! : کوسه و ریش پهن !

Spend money like Water! : مثل ریگ پول خرج کردن!

Good old days : یادش بخیر :

There's no time to spare: وقتی برای تلف کردن نداریم :

It's your concern = مشکل خودته =

The blame falls on me = تقصیر منه =

Get / grow / become maudlin : احساساتی شدن / گریه کردن :

I got into a rear-ender on the way to work. (rear-ender) : تصادف
ماشین: از پشت به ماشین دیگه زدن

He / She / It ain't all that. : همچین آش دهن سوزی هم نیست : He
thinks he is all that.= to be very impressive or attractive

I saw the police coming and legged it down the road. (leg it) : محاوره
: در رفتن / فرار کردن

on the same wavelength زبان هم را خوب فهمیدن، هم فکر بودن

i am as i am

همینم که هستم

wheels within wheels: کاسه زیر نیم کاسه:

barking dogs seldom bite= از آن نترس که های وهوی دارد از آن بترس که
سر به توی دارد

“Nobody blames you.” “I should hope not.” : نگران نباش کسی بخاطر
اشتباهت شماتت نمیکنه. امیدوارم نکنند

We shall never hear the last of this. : حرف در این باره تمامی ندلرد / این :
قصه سر دراز دارد

I'll do it if it is the last thing do. : اگر سرم هم برود این کار را می کنم :

life is dealing and willing = زندگی بده بستونه=

excuse me for my french: بی ادبی من رو ببخشید:

pay lip service شعار دادن ، حمایت تو خالی کردن

Pleas excuse my back ببخشید پشتم به شماست

I am pulling your leg: دارم باهات شوخی می کنم:

Poor by condition, rich by ambition هر میمونی زشت ترست ، بازیش بیشتر
است

Put it down to bad luck اینو به حساب بدشانسی بگذار

first come , first served: آسیاب به نوبت

make sense : منطقی به نظر می رسد

what a chick بچه پررو

You blew it خیت کاشتی

Go fly a kite برو پی کارت

rest assured: خیالت راحت باشه-مطمئن باش:

as God is my witness : خدا شاهد:

Beyond of all doubt. تردیدی نیست

nation of Zombies! ملت بی خیال!

he was already living on borrowed time. عمری دوباره از خدا گرفته

at precisely ۱۱ am: راس ساعت یازده صبح

heart- wrenching! جگرسوز

I was about about to die! داشتم می مردم

To Him we shall return! بازگشت همه به سوی اوست ، انا الله و انا الیه راجعون!

you are at the see: یعنی تو تو باغ نیستی:

Pass the buck گردن کسی انداختن

I had a wonderful opportunity, but I muffed it فرصت بسیار خوبی داشتم

ولی خیطی بالا آوردم

A shifty character / An artful person : آدم هفت خط

No way- بی خیال: عمرا

honest mistake: اشتباه غیر عمدی:

home wrecker : خونه خراب کن:

It's no use crying over spilled milk آب رفته به جوی باز نمی گرده

It is like talking to a brick wall.: مثل اینکه دارم با شما حرف میزنم! / انگار دارم با دیوار حرف میزنم

once in a blue moon : خیلی به ندرت :

tell tale : زیراب زن :

Two wrongs don't make a right. بدی رو با بدی جواب نده / نباید جواب داد:

You are telling me !: محاوره: یعنی خودم نمی دونم! / می خوامی بگی خودم نمی دونم

It's difficult to digest! درکش خیلی سخته!

Alas for me! خاک عالم بر سرم!

Good for ill —> هرچه بادآباد ، هرچه می خواهد بشود

let the cat out of the bag=دسته گل آب دادن=

marked time=

the tongue of blame! زبان طعنه!

act your age : مطابق سنت رفتار کن :

are you shitting me ! ! بچه خر میکنی!

What a pity! چقدر حیف!

Don't let on that!! موضوع رو لو نده

knock/hit sb for six: کسی را بیچاره کردن / کسی را از پا درآوردن:

bide your time : منتظر فرصت بودن :

این رو باید تو تاریخ ها نوشت / عجب : It's a real turn-up for the book(s).
رویدادی

دلم برای کسی کباب شدن: My heart bleeds for sb:

یاد و خاطره باقی ماندن : His name/memory lives on.

دندون رو جیگر بزار : "What's for dinner?" "Wait and see."

خیلی مغرور بودن : You are/get too big for your boots.

با وجود/ با... سال تجربه/ با... که زیر سر دارد : ave/get sth under your belt:

با مقاصد/اهداف مختلف : at cross purposes

I'm going to bed.I'm wiped/wiped out/pooped (out)/exhausted. :
خیلی خسته بودن

تردید بخود راه ندادن / ملاحظه ی هیچی : make no bones about (doing) sth:
رو نکردن

تنت میخواره? are you itching for trouble?

معاوره:پشت کسی را خالی : pull the rug/carpet (out) from under sb's feet :
کردن / جمایت خود را از کسی دریغ داشتن

برو خدارو شکر که حامله . count your blessings that she's not pregnant.
نیست

What's with you? / What's bothering you? / What's eating you?:
چرا ناراحتی? / چی شده?

چیزی از آب گوشت مونده؟ – -Is there any gravy left? -sorry! fresh out!
شرمنده همین الان تموم شد

گمونم پسره یکی مونده به . I think that boy, second to the last was mulatto.
آخری دورگه باشه

من غلام حلقه به گوشت نیستم I'm not your beck and call

وقتی اتفاق بدی واسه طرف مقابلت افتاده باشه) حفته! ! It serves you right!

میتونی رو من حساب کنی: I'm your man= you can count on me:

دوست آنست که گیرد دست دوست در friend in need is a friend indeed:
پریشان حالی و افسردگی

پافشردی بردی : (old) He that endureth to the end shall be saved.

خدا خر می شناخت که شاخ? any one knows the translation of this idiom?
بهش نداد

گذشته ی : Tom's first marriage to Stella is ancient/past history.
فراموش شده

I'll finish digging that hole tomorrow,Jack. Right now, I am all in.
خسته و کوفته : (be all in)

روغن از دستش نمی چکه: you can not get blood from a stone/turnip:

خوب ماندن : ! You are wearing well-only a few grey hairs

محواره : دل بدریا زدن : chance your arm/it ///// take the plunge/a risk

مشکوک میزنی You look fishy

هل نکن بابا اومدم : Keep your shorts/pants on

به یاد نیاوردن : to draw blank

هدف آسونی بودن : be a sitting duck

کار از محکم کاری عیب نمیکنه : For good measure

خیلی دیگه از حدت جلوتر رفتی : You are in way over your head

درمقابل کسی جوجه بودن : To be no match for someone

از خود تعریف کردن : Toot one's horn

کار بیهوده انجام دادن، سماق مکیدن: Chew the cud

چیزی رو تمام کردن : Pull the curtain on sth

میمون هرچه زشت تره ادا هاش بیشتره : Weakest dogs bark the loudest

از خجالت مُردم I was embarrassed to death

ممنون که به این نکته اشاره کردید Thank you for pointing that out

if my mind serves me right: اگر ذهنم یاری کنه
some things slipped in my mind: I forgot some things
some thing slipped my attention: از بعضی چیز ها را به خاطر
stick some things in your mind: چشمم دررفت
بسپار

خلاصش کن: boill it down

پاک یادم رفت: goes (right/clean) out of my mind

واسه اینکار ساخته شدی: you're born to do this

ان به تو علاقه ای نداره: he's not into you

حالا که فهمیدی (وقتی کسی میگه من نمی دونستم: NOW you know

سر Don't let him persuade you – stand / keep / hold your ground:
حرف و تصمیم خود ایستادن

خنده ی روده بر کننده : be in convulsions

دلخوش شد : It was a relief

جوجه رو آخر پائیز می شمردند آن خوش است ای جای
که فرجامش خوش است
alls well, that ends well:

هر کس سهم خودش را بدهد= lets go dutch

خالی نبند = dont make a fib!

به اینجا رسیده است : I've had it up to here !

بنا بر عقیده ی عموم : by/from all accounts

تتفس دهان به دهان : mouth-to-mouth resuscitation

بخت برگشتن : / turn the tide. The tide turned.

بلا نسبت حضار، به استثنای حضار = present company excepted(excluded)

از این طرفا؟!؟! What brings you here

هنوز بچه است/هنوز خام است He is as green as grass

قراضه شدن: be on the last leg

فلان چیز به فنا رفت..... Something went to dog

همیشه یه چیزی تو چنتش داره: he always has s.th on his sleeve

بند کفشتو ببند: fasten the lace

واقعاً خیلی رو داری! You have got a nerve!

آب از آب تکان نمی خورد No waves are made

ول کن بابا دست بردار چرت نگو! Come off it!

بجنبون Rock your body

تسلیم شدن، از پا در آمدن Give in

مختصر و مفید Short and sweet

حرفم و به دل نگیر. Don't take my words to your heart.

You can say that again!

قربان دهانت! آی گفتی! آره والا! با حرفت صد در صد موافقم!

و عده هایش جامه ی عمل نپوشید. Her promises failed to materialize.

نو که آمد به بازار، کهنه شود دل آزار. New things are gay.

اینجا رو منزل خودتون بدونید Make yourself at home

A picture is worth a thousand words تصویر از هزاران جمله گویاتر است

Actions speak louder than words صدای عمل رساتر از حرف است (به عمل کار برآید به سخندانی نیست)

Absence makes the heart grow fonder دوری باعث علاقمندی می شود (دوری و دوستی)

Take a leaf from someone's book : از کسی سر مشق گرفتن :

To shout at the top of one's lungs, با صدای بلند فریاد زدن,

شما امر بفرمائید your wish is my command

to bear too much bare handed..... با یه دست چند تا هندونه برداشتن) چند کارو باهم انجام دادن

Follow your nose راه را بگیر و راست برو

He has a chip on his shoulders... اون آدم عقده ای است

eat humble pie به غلط کردن افتاد he ate the dirt به غلط کردن افتادن

Conscious pangs: عذاب وجدان

I can keep you up: میتونم درکت کنم:

Push someone around : حق کسی را خوردن :

My way is highway: حرف حرف خودمه:

drive sb crazy: کسی را سخت عصبانی کردن :

on impulse بدون فکر، همین طوری

I catch your red hand Caught your red handed :مُچتو گرفتم

Cheat on sb: به کسی خیانت کردن:

keep one's fingers crossed : برای کسی آرزوی موفقیت کردن:

Fork it on! = رد کن بیاد

nosey parker فضولی باشی non of your cheek! non of your jaw! non of
فضولی اش به تو نیامده، فضولی موقوف! your concern!

Necessity is the mother of invention=احتیاج مادر اختراع است

یادش بخیر! May it always remembered!

kiss/marry the gunner's daughter : به توپ بسته شدن و تازیانه خوردن : تو :
فیلم های دزدان دریای

keeping up with the jones.با آخرین مد گشتن.

burn your fingers // get your fingers (badly) burned/burnt : چوب عمل
خود را خوردن

make a (real) pig's ear (out) of sth : / محاوره : (کار/طرح) خراب کردن /
افتضاح کردن در

have/make/take a stab at (doing) sth : تلاش برای انجام کاری و اغلب ناموفق :

How time flies ! : چه زود گذشت / انگار دیروز بود :

court danger/death/disaster : به استقبال خطر / رفتن :

Thoughts are free. (proverb) : اول اندیشه وانگهی گفتار :
(Look before
your leap.)

He won the lottery and he is really sitting pretty. [be sitting pretty] :
در بهترین شرایط قرار داشتن

know a thing or two (about sth) : از کاری سر رشته داشتن :

have an inkling of sth : احساس همدردی کردن / از چیزی تصور مبهمی داشتن :

impugn sb's honesty : زیر سوال بردن درستی کسی :

keep sb in the dark (about sth) : کسی را بیخبر نگه داشتن :

That can't be bad ! : ای بدک نیست :

ram/force/thrust sth/ideas down sb's throat : مطالبی یا چیزی را به کله ی کسی فرو بردن

چانه نزنید! no haggling!

i aint got no use for it به درد من نمی خوره، مورد استفاده من نیست

Get off my back دست از سرم بردار

آبشون توی یه جوب نمیره "there are not in line"

He is giving me a hard time: روزگار منو سیاه کرده

I am what i am, whats it got to do with you? همینم که هستم، به تو چه؟

دزدکی از مدرسه در رفتن "play hookey from school"

پیری نیستی که مراد بدی "im not ready for drastic to help"

ما رو کشت از خنده "keep me laughing on a boat"

به حرف من برس "mark my word"

Not be worth a damn Ex: his promise به لعنت خدا نیرزیدن,مفت گران بودن is not worth a damn thing!

Have a clear conscience وجدان آسوده داشتن/وجدان راحت داشتن Ex: I was able to answer his questions with a clear conscience.

هرگز از روی چهره قضاوت نکنید! never judge a book by its colour!

هرچی لایق باشی میگیری "you get what you deserve!"

There is no room for complacency: موردی برای غرور و خودپسندی نیست

هم فاله هم تماشا both fun & game

i'm at his throat می خواهم سر به تنش نباشد

to look women as a commodity -> به زن به چشم یک کالا نگاه کردن

طرف کی ہستی؟ whose side are you on?

عقلم قد نمی دهد it's beyond my wit

از خودتون پذیرائی کنید: help yourselves

روده کوچیکه روده بزرگه رو خورد= hungry as a wolf

اگه دستم بهش برسه; If I get my hands on him;

اون در حد من نیست!! He is not my cup of coffee!

راه بدید / راه رو باز کنید : Gangway ! (spoken / interjection)

تاثیر خوب گذاشتن / موفق بودن : This story went over big with my kids.

داستان و ... : جور در نیامدن / معنی ندادن : It doesn't add up.

با کسی برخورد جدی : take a tough line on/with sb/sth : punish severely
کردن

چه کسی دوست نداره? Do you like travel? who wouldn't?

و عده سرخرمن به کسی دادن ___ Promise someone the earth or moon

خیلی سخت کار کردن = to work one's tail off

خاکی و فروتن بودن ___ To be down to earth

به هر قیمتی که شده کاری را انجام دادن ___ Even if it rains or shine

توکار من دخالت نکن ___ Don't meddle yourself in my own affairs

[spoken : I ... words fail me.] : words fail me. : زبانم قاصر است :

او عاشق شنا کردن است swimming is his meat

انسان درخواست میکند و خدا میبخشد man proposes, God disposes

ننگ با رنگ پاک نمی شود یا نمی تونی : you can't whitewash the history :
گذشته رو ماست مالی کنی

Attention to detail is essential in
this job

حاشیه نرو! don't beat around the bush!

اینجا پرنده پر نمی زنه: there is no living soul here:

حرف حرف میاره: words lead to words:

رد کن بیاد! fork it out!

بگذار آنقدر بایستد تا زیر پایش
علف سبز شود Let him/her wait till the cows come home

چقدر شد؟/چقدر آب میخوره؟ what's the damage?

موش که چشم گربه را دور ببیند دم
در میآورد while the cat's away, the mice will play

اونجا خیلی خفه بود خوشحال
شدم که بیرون آمدم It was stifling in there; I was glad to get out.

زندگی فراز و نشیب داره every tide has its eb

دندان های اسب پیشکشی را نمی شمارند Don't look a gift horse in the mouth

عقلم به جایی نمیرسید i was at my wits' end

بشر جایز الخطاست to err is human

مردها سرو ته یه کرباس اند men are all cut from the same cloth

کنه شدن sb to pester on sb

پندهای مرا از یک
گوش شنید و از گوش دیگر در کرد my advice to him was like water off a duck's back

My friend was cool as a
cucumber when he was presented with an award Cool as a cucumber بودن

در هر صورت متشکرم Thanks all the same

انجام دادن کاری یا گفتن چیزی پیش از زمان خودش JUMP THE GUN

My uncle dropped off a Christmas present for me early and I couldn't wait to open it so I jumped the gun and opened it early

خودت رو به موش مردگی نزن Stop playing innocent

بهتره که پا برهنه باشی تا اینکه کلا پا Better a bare foot than no foot at all
نداشته باشی کاجی به از هیچی

Top of Form

Bottom of Form

صبور باشید Keep your shirt on

ابلهانه کاری را با ریسک و خطر زیاد انجام دادن To Skate on Thin Ice

This expression came from foolish people that skated on thin ice. They thought if they skated fast enough, the ice wouldn't break... :))

یه پول قلمبه بردن hit the jackpot

با یکی بد حرف بزنی و بشوری بذاریش کنار chew someone out

When someone is in your face and you think you might get angry, you could say, "Get out of my face," to help prevent a fight or accident
Get Out of My Face از جلوی چشم دور شو

پرخوری کردن Pig out Or Eat like a pig

Do you know? A fortune that you don't use, is others wish
هیچ می دانی، فرصتی که از آن استفاده نمیکنی آرزوی دیگران است؟

I didn't have shoes and always I was complaining, but one day I saw a man who didn't has foot

من کفش نداشتم و مدام شکایت می کردم. تا اینکه روزی مردی را دیدم که پا نداشت

You were greatly missed جای شما واقعا خالی بود

The biter is sometimes bitten دست بالای دست بسیار است

Blind as a bat کور کور

Without my glasses, I am blind as a bat واقعاً کورم ، بی عینک

Ants in the pants: احساس ناراحتی و ناآرامی کردن

Do you have ants in the pants or what? : چیه، کک توی بدنت افتاده؟

He/She is a time server اون نون رو به نرخ روز می خوره

Like I'm gonna (going to) believe it تو گفتی و منم باور کردم

Feel free to do so Or Don't be shy تعارف نکنید

Wishes won't wash dishes معنی جمله: با آرزو کردن ظرف ها شسته نمیشه
معادل پارسی: با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمیشه

It is better to light a candle than to curse the darkness بهتر است که یک
شمع روشن کنی بجای اینکه به تاریکی لعنت بفرستی

Cross Your Fingers: To hope that something happens the way you
want it to. یعنی اینکه بشینی و امیدوار باشی اونجوری که می خواهی میشه.

Do you follow me? متوجه حرفام هستی؟

We are just two peas ما خیلی با هم تفاهم داریم

Since when? Ex: Since when do I get that important to
you? از کی تا حالا اینقدر برات مهم شدم؟

The damage is done کار از کار گذشته

Feel the room جو رو درک کن

You must have respect for your promises باید بقول خودتان احترام بگذارید

Close your eyes to something

Fat Cat

چشم پوشی کردن

مایه دار

Button one's lips

دیگه ناراحت نباش No hard feelings

زیپ دهان خود را کشیدن

Get something off one's chest

در هر Thanks all the same

صورت متشکرم

دل خود را خالی کردن

Get up on the wrong side of the bed

get off my back

از دنده چپ برخاستن

دست از سرم بزدار

Give someone the cold shoulder

دست از سرم بزدار
dont give me that : خالی نبند

با کسی سرد برخورد کردن

Stand on one's own two feet

اوضاع بیریخته. تو i am in hot water

در دسرم

روی پای خود ایستادن

Open a can of worms

Who wears pants in your home?

چه کسی در خانه ی شما رییس هست؟

آتش در لانه زنبور کردن

Scrape the bottom of the barrel

that was a close shave :[slang

خدا رحم کرد

کفگیر به ته دیگ رسیده

Two heads are better than one

try no to take your eyes off her

سعی کن چشم ازش بر نداری

یک دست صدا ندارد

Keep something under one's hat

i am at your service من در خدمت

شما هستم

تو دل خود نگه داشتن

A bad vessel is seldom broken

leave it to me بسپرش به من یا اون

با من

بادمجان بم آفت ندارد

White lie

dont put words in my mouth

حرف تو دهن من نزار

دروغ مصلحت آمیز

the engine packed up! ~ موتور

از کار افتاد

To be head over heels in love.

یکدل نه صد دل عاشق شدن

از دستت به اینجام رسیده: To break bread w I'm fed of with you:

با کسی نان و نمک خوردن. ith someone.

I'm fed UP with you = سیر شدم ازت = Also: – I'm up to here with you =
ازت دست شستم – I've washed my hands of you = به اینجام رسوندی
done with you = مرا با تو کاری نیست دگر – I've had enough of your
بسمه دیگه = Enough is enough – باندازه ی کافی از دستت کشیدم = nonsense
حالم ازت بهم میخوره = – You disgust me

تمام جوانب را بسنج/ بررسی کن/ در نظر بگیر. Test the water.

اعتراف کن ، حرف بزن ~ out with it!

عاقبت، جوینده یابنده است => The master of coin finds the money

سوهان روح بودن. to rub on a raw nerve.

تا ته نوشیدن ~ Drink up!

کاریه که شده (what's done is done

انسانها جایز الخطا هستند:: humans are able to mistakes::

در جریان کاری بودن ، تو بازی بودن) be in the loop

نور چشمی the apple of sb's eye

گُفرش در او مده بود ~ he was hopping mad

خرپول ~ Filthy rich

مبدل شدن به ~ to grown into a...

تا آخرین نفر ~ to a man

نمیتونم تحملش کنم I can't stand it

He always pulls the wool over his friends eyes.

او همیشه سر دوستانش شیره می مالد

همه-چیز-دان = Know-it-all

شرکت بی پرویا و قلابی شرکت هایی که طالب سود ~ a fly by night company
آنی هستند

به گوش کسی نرسه، این سخن فاش کردنی نیست ~ mum's the word

قوی باش hang on there

داری منو دید میزنی you perv me up

چخ کردن (سگ)؛ پراندن (مگس و پرندگان)؛ شو کردن (بز و "shoo away")
چخ کردن = "shoo away"؛ گوسفند)؛ هی کردن (اسب و خر و گاو)؛ راندن
(سگ)؛ پراندن (مگس و پرندگان)؛ شو کردن (بز و گوسفند)؛ هی کردن (اسب و خر
و گاو)؛ راندن

عروس بلد نیست برقصه می گه زمین کجه . a bad work man blames his tools.

با حلوا حلوا کردن دهن شیرین همیشه wishes dont wash the dishes

به هیچ وجه، به هیچ نحوی از انحا ~ no by any manner of means

صحبت بی پرده و صادقانه ~ a heart to heart talk

زدی تو خال، درست حدس زدی، حدس صائبی ~ you hit the nail on the head
زدی

عقلم قد نمیدهد , سر در نمی اورم I am out of my depth

برو پی کارت go fly on your sky

پسر چشم چران Peeping Tom

به کسی دل بستن hung up on someone

فضولی موقوف Curiosity killed the cat!!!

خیلی خرش میره) آدم کله گنده ایه He can pull strings

همه کاره و هیچ کاره: Jack of all trades master of none

به من چه!، به هیچ کجای من بر نمیخورد ~ It's no skin off my nose

لطفا اینجا را امضا کنید ~ be good enough to sign here

زبونم بند اومد، زبانم از بیان آن قاصر است ~ words fail me...

دهن لق است he has a big mouth

خوره کاره he is a glutton for work

ابدا" اهمیت نمیدهم، به من چه ~ I couldn't care less

به معشوقه اش! (دوست دخترش) خیانت می کند ~ he's two timing his girlfriend!

چنین تصور میکردم که ~ i was under the impression that...

در یک چشم به هم زدن کار میکنه ، مثل جادو ~ work like a charm (magic)
هست

حرف دهن رو بفهم ، ~ through and t keep a civil tongue in your head!
درست صحبت کن

کاملا، صددرصد ~ hrough

منظورت چیه؟! (informal) ~ what're you driving at?!

پکر، ناراحت ، تو هم بودن ~ down in the mouth (informal)

بی جهت شر به پا نکن ، بگذار اوضاع آرام ~ Let sleeping dogs lie (saying)
بماند

این خط و این نشون ، بالاخره به حرف من ~ mark my words (old fashioned)
میرسی

به کسی بگو که باور کند ، من که باور نمیکنم ~ tell that to the marines (US)

شخص بسیار مزاحم، آزار دهنده ~ a pain in the neck (informal)

he has a mental block ~ ذهنش درگیر است ، فکرش اصلا کار نمی کند ~

lock, stock and barrel ~ هرچه هست و نیست ، تماما ~

put it down to experience ~ تجربه همیشه واست ~

No dice (US informal) ~ حرفشم نزن ~

it's all laid on ~ همه چیز آمادهست، روبه راه هست ~

she passed out ~ از حال رفت ، غش کرد ~

this restaurant has fallen off ~ این رستوران از رونق افتاده، به خوبی گذشته ~ نیست

i haven't the faintest idea! (informal) ~ روحم خبردار نیست ~

oh, give over! (UK old fashioned-informal) ~ دست بردار، ول کن، بیخیال ~ شو

it's chickenfeed (informal) ~ پول ناقابلی است ~

paper over the cracks ~ ماست مالی کردن، معایب را پوشاندن ~

that's pretty kettle of fish! ~ عجب بساطیه هااا، خر بیار باقالی بار کن ~

apple of sb's eye ~ نور چشم کسی بودن ~

keep a low profile ~ جلب توجه نکردن، آفتابی نشدن ~

yes , point taken ~ بله ملتفت شدم ~

he strains every nerve ~ او نهایت تلاش و کوشش خودش رو انجام میده ~

hit the jackpot ~ به ثروت کلانی رسیدن ~

i'm fit/ready to drop ~ دارم از حال میروم، از خستگی نا دارم ~

breadwinner ~ نان آور خانواده ~

i must put my thinking cap on it ~ باید در موردش فکر کنم ~

یه کاسه ای زیر نیم کاسه هست، یه دستی تو ~ there're wheels within wheels
کاره

کاملا برایم غیر قابل فهم بود، اصلا نفهمیدم ~ it was double dutch to me

اهل شیراز ~ he hails from shiraz (formal)

فعلا تعطیل کنیم، برای امروز کافیه ~ let's call it a day (informal)

یاد اون ~ the good old days یاد اون روزها بخیر ~ those were the days
روزها بخیر

عواقب چیزی را تحمل کردن، پای لرزش نشستن ~ to face the music

حضرت روشن فکر (در مقام طعنه) ~ an egghead (humorous)

اجازه نده که بین ما جدایی بیفکند ~ Don't let that come between us

قیمت ها در بورس به شدت پایین آمد ~ prices crashed in the stock exchange

چیزی از عمرش نمانده ~ his days are numbered

فیلم های موهن ~ Blue films/movies

ماشینم بازی در میاره، خوب کار نمیکنه ~ my car acts up (informal)

از شوخی گذشته، شوخی بکنار ~ joking apart/aside

مدت زیادی طول کشید تا به هوش آمد ~ he took a long time to come round

گوسفندی را خلاص کردن ~ to put a sheep to sleep

دو برابر من پول در میاره ~ he earns as much again so i do

خوشامد گویی با آغوشی باز ~ greet/welcome sb with open arms

جانماز آب کشیدن ~ to affect piety

از چاله در اومدن و به چاه افتادن ~ Out of the frying pan into the fire

لطفا شما در این مورد دخالت نکنید ~ you keep out of this, please!

to move in literary (high) circles. ~ در محافل ادبی آمد و رفت کردن

that's strictly for the birds (us informal) ~ برو بابا، اینا همش حرفه، مزخرف نگو، چرند نگو

make eyes on somebody (old fashioned) ~ برای کسی غمزه آمدن

the market is flat ~ بازار کساده

land in and around NY has appreciated ~ بهای زمین در نیویورک و اطراف آن بالا رفته

break fresh/new ground ~ ابتکار جدید، کشف/انجام چیزی تازه

hard-luck story (INFORMAL DISAPPROVING) ~ ننه من غریبم بازی در آوردن، فیلم بازی کردن

come rain or shine ~ هر اتفاقی که بیافتد، هرچی که پیش بیاد

they were really the bee's knees ~ be the bee's knees (UK informal) ~ چیزی که از همه لحاظ عالی باشد

There's no accounting for taste ~ سلیقه ها متفاوت، هرکسی عقیده ای داره

(straight) from the horse's mouth ~ از منبع موثق موضوعی شنیدن

another/a second bite of the cherry ~ فرصت بعدی، شانس بعدی

i'm (as) busy as a bee! ~ خیلی سرم شلوغه

i'm full of beans for today (informal) ~ امروز پر انرژی و سرحالم

it's not my cup of tea ~ چیز مورد دلخواه من نیست

once in a blue moon ~ به ندرت، هر از گاهی

Necessity is the mother of invention ~ احتیاج مادر اختراع

be all fingers and thumbs (UK) be all thumbs (US) ~ دست و پا چلفتی، بی دست و پا

I get into hot water ~ گرفتار شدم ، گرمخانه افتادم ،

the lull before the storm ~ آرامش قبل از طوفان

thank your lucky stars ~ جایه شکرش باقیه، شانس آوردی

Curiosity killed the cat ~ فوضولی موقوف

don't hold your breath(informal) ~ انتظار نداشته باش واسه همیشه، خواب دیدی خیره

by the grace of God ~ به توفیق خداوند، به لطف خدا

for my money ~ به نظر من، به عقیده من

Forty winks (informal) ~ چرت، خواب کوتاه

when the chips are down (informal) ~ هوا پسه

Fender bender (informal) ~ تصادف جزئی، تصادف کم خرج

tie the knot ~ ازدواج کردن

play truant (British) ~ از مدرسه فرار کردن
play hooky (American & Australian) ~ از مدرسه فرار کردن

perish the thought ~ فکرشم نکن

walk on air ~ خر کیف بودن، از خوشحالی پرواز کردن

walk on air ~ خر کیف بودن، از خوشحالی پرواز کردن

few and far between ~ غیر مکرر، تکرار نشدنی، نایاب

stick in the mud (informal disapproving) ~ بی عرضه، اُمُل، عقب مانده

weather the storm ~ بر مشکلات فائق آمدن ،

willy-nilly (informal) ~ خواه ناخواه، بخوای نخوای، ناچاراً، بالاجبار

give sb. a dirty look ~ به کسی چپ چپ نگاه کردن

جا زدن از کاری، پشیمان شدن ~ get cold feet

به شدت درگیر چیزی بودن ~ be snowed under sth.

همکاری کردن ~ play ball (informal)

چشم بسته خرید/قبول کردن ~ a pig in a poke

قبول اشتباه، به غلط کردن افتادن ~ eat humble pie! (informal)

سرمایه خوابیده، دارایی بی فایده ~ white elephant

حساب موجودی نداره (مقروض به بانک ~ the account is overdrawn

حساب موجودی نداره (مقروض به بانک ~ account is in the red

گپ زدن ~ shoot the breeze (US informal)

از این گوش شنیدن و از اون گوش در کردن
Go in one ear and out the other (informal)

Too many cooks spoil the broth (UK) Too many cooks spoil the
soup (US)

ماما که دوتا شد سر بچه کج در میاد آشپز که دوتا شد، غذا یا شور میشه یا بی نمک

ماه پشت ابر نیمونه ~ Truth will out (UK)

چراغی که به خانه رواست ~ Charity begins at home

حقیقت تلخه ~ a bitter pill (to swallow)

اطمینان می دهم، شک ندارم ~ i'll warrant you! (old fashioned)

اسم ام رو عوض میکنم ~ I'll eat my hat (old fashioned)

پشیمانی سودی نداره ~ It's no use crying over spilt milk

شما رو به جا نمیارم ~ I can't place you

بدحال بودن ~ be/feel under the weather (informal)

دلخور بودن، کینه داشتن ~ hold a grudge

کمر کار را شکستن – قسمت سخت کاری را ~ break the back of sth (UK)
انجام دادن

پول علف خرس نیست ~ Money doesn't grow on trees.

مورد تحمیل قرار گرفتن ~ be put upon! (informal)

اونجا رو به آتش میکشم ~ i'll "burn down" there (phrasal verb)

اسب پیشکشی رو (SAYING) Never look a gift horse in the mouth.
دندون نمی شمارند

همه کاره ~ jack of all trades!

با پنبه سر بریدن ~ kill sb. with kindness!

پاشو پاشو، صبح شده ~ wakey wakey! rise and shine!

چشم زدن ~ the evil eye on...!

یعنی دستتو بکش , دست نزن ~ hands off!

به سختی تلاش کردن برای انجام کاری ~ bend/lean over backwards!

بند رو به آب دادن ~ spill the beans

(یا درست شو یا به سلامت) ~ Shape up or Ship out

انتقادپذیری (پذیرفتن ایده) ~ Take sth. on board

عجب رویی، چه رویی ~ What a cheek

خرخون (informal) ~ bookworm

بهت بر نخوره، ناراحت نشی ~ no offence (informal)

خداحافظ – به امید دیدار ~ so long (informal)

معاوره: امیدوارم ناراحت نکرده باشم ! ~ No hard feelings

چندر غاز حقوق می گیریم ~ we are paid peanuts

wear more than one hat ~ برداشتن چندتا همدونه
there was no way out ~ حاله از نظراتت بهم می خوره ~ i sick of your idea ~ چاره ای نبود
I'm absolutely sick to death of it ~ خوره می خوره ~ Haste makes waste
تعییل موجب تعطیله، عجله کار شیطونه ~

سحر خیز: An early bird

An early bird catches the worm ~ سحر خیز باش تا کامروا باشی ~
A high-flier ~ مری دختر ~ Mary is a bright girl and a high flier ~
بلند پرواز ~ Good company ~ آدم خوش مشرب ~ باهوش و بلند پروازی است
I never get bored when I talk to my grandmother She is good company ~ از
A good mixer ~ صحبت کردن با مادر بزرگم خسته نمیشم. آدم خوش مشربی است
~ آدم زود جوش و اجتماعی

سالم و سر حال ~ up and about

قبراق بودن ، فرز بودن ~ go great guns

دهانم مهر و موم شده ، چیزی نمیتونم بگم ، دهانم قرصه ~ my lips are sealed

She is hungry for success. : حرف ندارد / مو لا درزش نمیره / رو دست ندارد : It is spot/bang on.
عامیانه: : sth is a kick in the teeth : آرزو مند/مشتاق : hungry for success.
smoke like a chimney: متوجه شدن / فهمیدن : see the light : تودهنی / توپوزی
مثل بید لرزیدن از ترسز یا نگرانی : shake like a leaf: خیلی زیاد سیگار کشیدن

چاخانم نکن ~ don't vapor me (boasting)

at odd times ~ we had a blast ~ we enjoyed the party ~
وقت و بی وقت ~ خوش گذروندن = paint the town red ترکوندیم

از خنده روده بر شدم ~ I laughed my guts out

he was apple polishing ~ داشت چاپلوسی میکرد ~ never say die ~ never
give up hope ~ نباید زیر بار برم ~ i have be dead against ~ هرگز ناامید نشو ~
she's living in fool's paradise ~ a little bird told me ~ الکی خوشه ~
کلاغه خبر آورد

بیشتر از این معطلت نمیکنم ~ i won't keep you then

کارت رو فوری انجام میدن ~ they can do a rush job

سرت تو کار خودت باشه! live and let live!

ما یه جایه شلوغ زندگی میکنیم (پر جمعیت)! ۱! we're living at a close quarters!
زندگیش رو با نویسنده میچرخوند! she've lived by one's pen!

کاری برام پیش اومد ~ something important has come up to me

مخ پلیس رو زدم که جریمم ~ i talked police officer out of getting a ticket
Get up on the wrong side of the bed ~ don't از دنده چپ برخاستن
اهمیت ندادن حتی اندازه سر سوزن ~ give a rat ass don't give a rat ass
با مشت به صورت کسی زدن ~ knuckle sandwich

حالا چرا عصبانی میشی؟ چرا! ~ why are you jump down on my throat?!
میزنی؟

let the cat out of the bag = افشای راز = reveal the secret!

روز ~ bad hair day ~ encouragement! دلگرمی ~ a shot in the arm
نحسی، سختی

چیزی را یاد کسی آوردن / خاطره ای را در ذهن کسی زنده : jog sb's memory
کردن

everyone's nerves were on edge. / That put our nerves on edge. :
Why are you breathing down my neck all the time? :
عصبی شدن/کردن
محاوره : جوش : be/go on the warpath : کسی را پاییدن / پا به پای کسی رفتن
آن روی سگ کسی را بالا آوردن / عصبانی شدن یا کردن / آوردن

من این روزها سر حال، خوشحالم ~ i'm on "cloud nine" these days

روی مد بودن ، طبق مد لباس پوشیدن ~ Cool cat

وقتی خیلی جدی بخواهیم بگیم: اصلا باهات شوخی ندارم! I kid you not!

پیداش میکنم، بالاخره میفهممش ~ i'll figure it out

